

سلطان علی مشهدی

(۳)

چهارم مولانا زین الدین داماد و شاگرد مولانا سلطان علی چنان بسمع رسید که کلیات میرشبحم سهیلی که از مولانا ناتمام مانده بود وی به جواهر و خبی بانعام رسانده و در سنه ۹۳۵ وفات یافته . پنجم مولانا عبدالله نیشاپور ششم مولانا محمد قاسم شادپناه سکه در نزاکت و لطافت نظیر و تدبیر ندارد و بروی هنر ختم است (۱) بعضی از تذکره نویسان میرعلی هروی را نیز شاگرد سلطان علی میدانند بدین معنی که میرعلی هروی ابتدا در هرات در پیش بسکی از شاگردان سلطان علی مشهدی یعنی زین الدین محمود مشق میگردانید و چون استعداد و مایه درین راه ظاهر کرد عازم مشهد شد تا مستقیماً از سلطان علی تعلیم بگیرد . (۲)

لاهیجی مؤلف تذکرة الخطاطین در احوال میرعلی هروی چنین مینویسد : « در مشهد مقدس خدمت سلطان علی رسید و مشق و تعلیم گرفت و در آنجا نشو و نما گرفت جلی و خفی و قطعه نویسی را بدرجه اعلا رسانید و خط را بر پایه بلند نهاد که دست هیچ خطاط نمیرسید » (۳)

نصر آبادی در تذکره خود گویند که « بعضی خط او را بخط املا سلطان علی ترجیح میدهند و بعضی برخلاف این گفته عزیززی که یک مصراعش این است در جوابی ایشان گفته :

رمان جامع علوم انسانی

سلطان علی و بهزاد »

همچنانکه سلطان علی با حضرت مولانا جامی حشر و آمیزش داشته عزت و ارادت پیدا کرد و جامی از عشاق خط زیبای او گردید بانقاش چهره دست آن زمان مولانا کمال الدین بهزاد نیز دوست و مهربان بوده و او را فرزند عزیز ارجمند خطاب میکرده و اکثر نسخ نفیس را این دو هنرمند چهره دست به خانه نشین و موتین خود زندگی جاوید بخشیده اند از آن جمله نسخ نفیس زیر است .

(۱) ظفرنامه تیموری تألیف شرف الدین علی یزدی متوفی در ۸۰۸ هجری در نواربسخ احوال و سوانح سلطنت امیر تیمور کورگان این کتاب از طرف سلطان علی استنساخ شده و بهزاد برای بار اول آثار بدیمه خود را درین کتاب بودیمه گذاشته یعنی صورت های این کتاب را نقش و متن و حواشی آن را تذهیب کرده است این کتاب بواسطه نادرشاه از خزانه

(۱) رساله ریحان و نستعلیق طبع لاهور .

(۲) مجله یادگار شماره ۳ سال اول .

(۳) مجله یادگار شماره ۳ سال اول .

هند با ایران رفته و بدست سلاطه قاجار رسیده است در خصوص قیمت این اثر نادر و جهان قیمت کار شناسان فرانک مینویسند ، که با قیمت ترین کتابهای دنیا است (۱)

(۲) خمسة نظامی

در میان شعرای قدیم هیچکدام مثل نظامی از لطافت و محبت های صنعت حکاران هرات استفاده نکرده است این صنعت حکاران در آثار خودشان تقریباً همه وقت از خمسة او ملهم شده اند . در کتابخانه پادان لایبری (۲) نسخه از خمسة نظامی بقلم سلطان علی و تصاویر بهزاد است که شرح مرقومه آن فرار ذیل است ، این خمسة مبارک که بخط مولانا سلطان علی مشهدی کتابت شده (۹۰۵ هجری) در آوانی که شاه جمجاه عالی شان خسر و خسروان صاحب قران ابوالغازی شاه اسماعیل بهادرخان ارخرانه شاهی بسکک گرفته بفرید عصر مولانا یاری تدمیب (۹۱۶) و بنادر المصری استاد بهزاد (۹۱۸) تصویر آن رجوع شده انعام یافت . همچنین در پادان لایبری بکرباعی سلطان علی به شرح ذیل در مرقعی مرقوم است که منتهای صفوت و محبت این دو هنرمند را میرساند درین رباعی سلطان علی بهزاد را فرزند عزیز ارجمند خطاب میکنند . سلطان علی مشهدی در باب بهزاد گفته است :

چنانچه هر کاه بیاران و شاگردان رفته مینوشتند نظمی بدیهه گفته مرقوم میفرمودند این رباعی که به استاد بهزاد که مثل او مصوری در کارخانه زمانه صورت نه بسته و مشهور جهان است از آن جمله است :

فرزند عزیز ارجمندم بهزاد که که گذرش بدین طرف می افتاد

او عمر من است از ره صورت لبیکن عمر بست که از منش نمی آید یاد

(۳) دیوان سلطان حسین میرزا

دوست فاضل و دانشمند من آقای عباس اقبال استاد دانشکاه ایران در شماره ۷ سال دوم مجله یاد کار نوشته اند :

از جمله نسخ نفیسی که بخط سلطان علی بنظیر میرزا نگاشته شده رسیده نسخه ایست از دیوان سلطان حسین میرزا بایفرا بتاریخ ۱۲۸۹ هجری سابقاً جزو کتابخانه بهمن میرزا پسر عباس میرزای نایب السلطنه بوده و حالیه ملکست دوست عزیز آقای عباس مرز است که هشق خاصی به جمع آوری آثار هنری ایران دارند و کلیشه تصاویری که درین مقاله نقل شده از نسخه نفیسه ایشان مقتبس است دووث ازین نسخه که ذکر آن گذشت بخط سلطان علی مشهدی است و در اواسط کتاب صورتت از همین کتاب در حال تحریر و نقش آن منسوب بکمال الدین بهزاد نقاش بسیار معروفست و در بالای این صورت چنین مرقوم است :

خدم بکتابتای هذا الاشعار المبارکة المبعوثة تراب خدام روضة الرضوی (کذا)

سلطان علی المشهدی غفرالله ذنوبه فی اواخر ربیع الاخر سنه تسع و تسعين وثمان مائة الهجرية النبویه بدار السلطنه هرات ، بقیه کتاب را میرعلی هروی شاگرد سلطان علی تمام کرده است و در آخر نسخه که تصویر آن در همین مقاله بچاپ رسیده است چنین رقم دارد اگرچه خطوط کنار رقم الحاقی بنظر میرسد :

(۱) برای شرح مطالعه این نسخه در سر آمدان هنر رجوع شود .

(۲) آرکیوا اورنیتل جلد ۳ نمره ۳ صفحه ۳۵۹ .

د کتبه الفقیر المدنی علی الحسینی الکاتب غرافه ذنوبه و ستره یوبه فی هرة رجب المرجب سنه ثمان و عشرين و سعمائة الهجرية النبویه بدار السلطنة هرات ، بر صفحه ظهور ظاهر است که تا آنجا صورت قیلة الکتاب (سلطان علی) ساخته شده بقلم دربار ایشان است و تتمه بقلم کهنترین سید علی شاگرد ایشان مرقوم است چنانچه این قطعه به آن مشعر است .

نظم و خطش چو عقد در خوشاب

این همایون کتاب کامده است

خط از ارقام قیلة الکتاب

نظم از افاس خـ ر و غازی

د سعی بهزاد بود در همه باب

باعث زبـ و خط و تصویرش

(۴) خـ دیکر بخط سلطان علی و ده تصویر بهزاد که در تصویر دوم رقم بهزاد دیده میشود در کابل موجود و مربوط است بکتابخانه والا حضرت سردار محمد نعیم خان فقیر کبیر افغانستان درواشکنکن این خـ نیز از غنایم روزگار است و شرح مفصل آن از طرف نگارنده در شماره (۲) سال ۵۰۰ هـ مبله آریانا نوشته شده .

سلطانعلی از نظر معاصرین و دیگران

امیر نظام الدین علی شیر متخلص خوانی متولد سال ۸۴۴ و متوفی سال ۹۰۶ هجری حامی و مربی سلطان علی در کتاب مجالس النفایس که در ۸۹۶ تالیف نموده نسبت به سلطانعلی چنین نوشته است :

د امروز در خراسان و در اکثر بلاد عام قیلة الکتاب است و قلمرو نستعلیق او را یک قلم مسلم شده و باخلاق حمیده و اطوار پسنیدیده چنان آراسته و پیراسته است که قلم و زبان از شرح آن عاجز است و طبعش نیز خوب و نغمه شده این مطلع ازوست :

کل در بهار از آن رخ کمالگون نمونه ایست چون اشک من که از دل پر خون نمونه ایست

اما با این همه خوبی ها الفاظ و عبارات و ولایت را تعبیر نتوانست داد (۱)

غیاث الدین بن همام المثنی معروف به شیخ نیر متولد ۸۸۰ و متوفی ۹۴۲ در کتاب خلاصه الاخبار خود که در ۹۰۰ بنام علی شیر خوانی بیان رسانیده است نسبت به سلطان علی چنین اظهار نظر کرده است :

د بحسن سیرت و لطف سرریات محاسن قلمش و بوقور فضیلت و جودیت طبیعت معروف خط نسخ و تعلیق بعد از مولانا جعفر ظهرا کسی برابری ننوشته است بلکه رقم نسخ برخط اکثری از خوشنویسان کشیده مدت ها در کتابخانه عالی حضرت خداوندی کتابت میکرد و از مواید انعام و احسان بیکران بهره تمام داشت و حالا نیز منظور نظر ما طفت آن حضرت است و هر کتاب که میفرماید مانند قلم در حریر آن کمر خدمت می بندد این مطلع از جمله اشعار اوست کل در بهار الخ (۲)

همین موف خلاصه الاخبار در حبيب السیر که در ۹۳۰ بیان رسانده است درباره سلطانعلی نوشته است :

د بوجاهت صورت و معاسن سیرت و صوف بود و در خط نسخ و تعلیق آ تقدر مهارت حاصل نمود که خطوط استادان متقدمین و متاخرین را منسوخ ساخت و در زمان خاقان منصور همواره باشارت آن حضرت و التماس امیر نظام الدین علی شیر بکتابت نسخ شریفه می پرداخت و گاهی به نظم

(۱) لطایفنامه فخری ترجمه مجالس النفایس طبع تهران

(۲) خلاصه الاخبار نسخه قلمی کتابخانه شاهی

- اشعار نیز زبان میکشاد از آن - ماه این مطلع ثبت افتاد ، کمال در بهار الخ و آن جناب در ۹۱۹ در مشهد مقدس در گذشت و همدران قلمه متبر که مدفون گشت ، (۱)
- ظہیر الدین محمد بابر پادشاه گور کمانی متوفی ۹۲۷ هجری در تذکره واقعات و خاطرات خود که مشتمل است بر واقعات ۸۹۹ تا ۹۳۶ هجری در واقعات ۹۱۱ یعنی ۱۵ سال قبل از مرگ سلطان علی که خرد در هرات آمده و در بار هرات را پادشاهان و هنروران آن دیده است نسبت به سلطان علی چنین نوشته است ، در خوشنویسان اگر چه خیلی مردم بودند اما سر آمده در نسخ تعاقب سلطان علی مشهدی بوده به جهت میرزا و علی شیر بیک کتابت بسیار کرده هر روزی ۳۰ بیت می نوشت علی شیر بیک و ۲۰ بیت به جهت میرزا نوشته ، (۲)
- مجدد بن محمود الرفیقی در رساله خط و سواد که ظاهراً بعد از ۹۰۹ هجری تصنیف نموده درباره سلطان علی نوشته است ، اما حضرت مخدومنا و استادنا المشہر بہ سلطان علی المشہدی - سلمہ اللہ و ابقاہ و من اللہ علیہا بشرف بقاء و بقاء شرف الی یوم الدین در برابر ایشان حکم مولانا عبداللہ طباطبائی دارد نسبت به خواجہ یاقوت و عبداللہ صیرفی یعنی ہم اسول مولانا جعفر را نموده و ہم صافی خواجہ عبداللہ صر فی را ، (۳)
- مؤلف خلاصۃ التواریخ که نامش معلوم نیست و کتاب خود را ظاهراً بعد از ۹۵۰ تألیف نموده در فصل آغاز و انجام خط جائیکہ از خطاطان نام میرزا راجع بہ سلطان علی چنین اظهار مقدمہ کرده است ، د میرزا علی تعلیم بہ پسرش عبداللہ داد و عبداللہ را صورت خط آن چنان نبود کہ شہرت یابد مولانا جعفر را تعلیم کرد و اظہر بیش جعفر خط نوشت و اظہر من الشمس شد تا آنکہ مولانا سلطان علی بشا کردی اورفت و در خط نستعلیق و جید زمانہ و یگانہ دوران کشت و شا کردان او سلطان محمد خندان و سلطان محمد نور و سلطان محمد ابریشمی و زین الدین محمود است و خندان بہترین این چهار کس است ، (۴)
- دوست محمد کتابدار بہرام میرزا متوفی ۹۰۷ در حالات هنروران کہ در ۹۵۲ تصنیف کرده است نسبت بہ سلطان علی چنین نوشته است ، در حضرت مولانا سلطان علی مشہدی باوجود فضایل مثل شعر هموار و فن ادراک و حسن اخلاق و اطوار خط نستعلیق را بہ سرحدی رسانیدند کہ تا ابتدای این خط است تا غایت هیچکس بدان قایل نگشتند و بقدم سہمی بران وادی نگذشتہ و نام نامیش یوماً فیوماً بر صفحہ روزگار خواہد بود ، (۵)
- میرزا حیدر دو غلات در تاریخ رشیدی کہ در ۹۵۳ بعد ہمایون بیابان رسانده نسبت بہ سلطان علی نوشته است در قطعہ و کتابہ و خفی و جلی بلکہ نسخ و تملیق یک قسم بوی مسلم است کہ هیچکس بیش از وی و بعد از وی نزدیک بوی نتوانست نوشت و در ہمہ اوصاف لطایف لاندظیر بود خاصہ ملاحظہ و مزہ کہ خط ملا دارد هیچکس را دست نداده بوی رسالہ در آداب خط نوشته است و در آنجا گفته است کہ در آوایل مشق در روضہ مقدسہ مشہد طرس خرابی دیدم حضرت

(۱) حبیب الہیر طبع بمبائی جزو ۳ ج ۲ ص ۲۴۴

(۲) واقعات بابری ضمیمہ اورنتیل کالج میگزین

(۳) رسالہ خط و سواد ضمیمہ اورنتیل کالج میگزین

(۴) خلاصۃ التواریخ ضمیمہ اورنتیل کالج میگزین

(۵) حالات هنروران ص ۱۶۱۵ طبع لاہور ۱۹۴۶ ع

امام‌المؤمنین اسدالله غالب علی‌بن‌ابیرطاب کرم‌الله وجهه فلمی بدستم داد از خواب بیدار شدم .
 مولانا در اوایل حال که مشق میکرد از پیش خود خط را صورتی داده بوده است و عوام
 فریب بوده است و کاتب چند نبوده . مولانا جعفر خسته ابتدا کرده نامم مانده است
 میرزا سلطان ابوسعید فرموده که هیچکس باشد آن را تواند تمام کرد چون در میان مردم
 مولانا سلطان علی شهرت کرده بوده است بمرض رسانیده اند چون حالیا شهرت دارد شاید
 که او تواند این امر خطبر را بر آورد مولانا سلطان علی آورده اند و کتابت مولانا جعفر را
 نموده مولانا فی‌الحال قبول کرده است و یک جزو کتابت کرده آورده مولانا اظهر درخانه
 نشسته بوده است اول پیش مولانا اظهر برده است مولانا اظهر براشفته است که باین اسلوب تو
 خسته مولانا جعفر را تمام مینماید از درخانه مولانا سلطان علی را بوثاق برده است و کف پای
 رده و دوروز محبوس داشته بعد از آن از جسر بر آورده است و گفته است که فرزند قابلیت بلندداری
 احاطه تو خودروی است اسلوب نستعلیق آن نسبت قطعه بملا داده است که باین اسلوب می باید نوشت
 ملا میگفته است که قطعه را بر دم و مشق کردم بعد از مشق مرا معلوم شد که اسلوب نسخ تعلیق
 آن نوع بوده است و بیشتر از آن بر بی اسلوبی خود و افاق نبودم و به بیفتگی و صافی و محکمگی غره
 بوده ام و خط بی اسلوب را خود خط امر توان گمت و امروز آن مقدار آثار از ملا باقی مانده است که
 عقل از قبول آن درین است که اکتناع نماید چه در اکثر بلاد عالم کم کس از اهل قلم باشد که از قطعه
 و کتابه ملا چیزی نداشته باشد و در کتابخانه پادشاهان عالم اگر درسه کتاب بخط ملا نباشد آن
 کتابخانه را محسوب نمی دانند و این امر از عجایب امور است (۱)

سام میرزا که از شهزادگان بافضل صفوی و در ۹۲۳ تولد و در ۹۸۳ کشته شده است در تفرگه
 نعتی سامی که تذکره شعر او داشته اند و در دوران معاصر وی است و در ۹۵۷ آن را تالیف کرده است
 نسبت به سلطان علی چنین اظهار نظر کرده است ، و کلام کرام الکاتبین مثل او خوش نویسی ننکاشته ،
 در جای دیگر چنین نوشته است ، و در خط نستعلیق مشهور تر از آن است که او را احتیاج به نوشتن
 تعریف باشد ، با وجود اینکه او از شصت و نه سالگی در خط نستعلیق می نوشت چنانچه این دو بیت را
 در مثنوی از برای خود برشته نظم کشیده ،

مرا عمر شصت و سه شش سال علم علوم انسانی هنوزم جوان است مشکین قلم

نوا نم هنوز از آخفی و جلی نوشتن که العبد سلطان علی (۲)

بخارا و در خان متوفی ۱۰۹۶ هجری در مرآت العالم که در ۱۰۷۸ تصنیف نموده درباره سلطان علی
 نوشته است ، و متاخران متفق اند بر آنکه نستعلیق را کسی برابر او ننوشته و بر خطا کثر خوش نویسان
 قلم نسخ کشیده و از صاحبان و ندیمان امیر علی شیر بود و از موایده احسان آن معین الزمان بعضی
 و افر رسیده در کتابخانه او کتابت می نمود و بنظم اشعار رغبت داشته و درین فن رأیت مهارت می افراشت
 و در آیات حکومت سلطان حسین میرزا سنه (۹۱۰) کتاب فضانام او را از جریده احیای پاک ساخت . مولانا
 اگر چه شاگردان بسیار داشت لیکن از آن جماعت پنج کس درین خط نام بر آورده اند و هر یک
 بطرز خاص و روش تازه بدله بائی کرده می مخصوص گشت (۳)

(۱) اورنبل کالج میکزین طبع لاهور .

(۲) نعتی سامی طبع تهران .

(۳) اورنبل کالج میکزین طبع لاهور .

غلام محمد هفت قلمی دهلوی متوفی ۱۲۳۹ در تذکره خوش نویسان نوشته است: «مولا سلطان علی مشهدی در خط نستعلیق مشهور تر از آن است که احتیاج به نوشتن تعریف باشد در مشهد مقدس به تعلیم خلائق پرداخت مردم رتاض و متورع بود و شعر هم میگفت این اشعار ازوست: مرا هر شصت و الخ و این شخص بزرگ از همه بهتر بود اگر چه با این نام چند کس خطاطان دیگر هم مثل سلطان علی قاینی و سلطان علی تبریزی و سلطان علی خراسانی و سلطان علی فروبنی و غیره گذشته اند»

در رسالهٔ ربیعان نستعلیق که از روی حساب چهل سال تالیف آن ۹۸۹ هجری میشود و نام مولف آن معلوم نیست و درین آواخر از طرف دوست قاضی من آقای جفناوی در لاهور طبع شده در ذکر استادان نستعلیق از سلطان علی چنین ذکر می نماید: «اولهم و افضلهم خواجه میر علی تبریزی دی واضح این خط است که عروس خطوط گویند حافظ کلام مجید بوده و استادان ذی شان از شاگردی وی بمکان عالی صعود نموده اند دوم مولانا جعفر تبریزی است که در خطوط اصل استاد عبدالله طباطبائی و در نستعلیق استاد شیخ محمود زرین قائم است - سوم مولانا اظہر است چهارم مولانا محمد اویسی است که در خط ثانی نداشته و مولانا سلطان علی او را استاد نوشته و فانش در مشهد مقدس بوده در سنه ۹۵۱ و از شاگردان وی مولانا یاری است که از کتب هرات است و بعد از ایشان طریق خط بر استاد الماهرین مولانا سلطان علی مشهدی ختم شده

خط یافت که آن ها که دیدند	اران درجه بیافوتی خریدند
اگر یافت این خط را بدیدی	ازین جرئی بیافوتی خریدی
جوهری قدر خط من دانند	ورق در شهر شهره بسیار است
زان سبب خط من بود شیرین	که نمی کلمک من شکر باز است

در کتاب پیدایش خط و خطاطان منطبعة قاهره در باره سلطان علی چنین نوشته شده:

سلطان علی مشهدی معروف به سلطان الخطاطین بود در کاف جوانی حسن صورت و نیکوئی طبعش پنجه به چهره آفتاب زدی در آن وقت مولانا اظہر هروی که سراپا کمال صرف و مجسمه ورع و تقوی بود در مشهد اقامت می نمود روی مولانا اظہر هروی و بنظر پدرا نه در او سگریست و او را به تعلیم و تعام و اداشته و در تربیت او جهد کافی منول نموده چیزی در حقش فرو نگذاشت تا برمانی چند فارغ التحصیل گشت و در فنون لات هرب و رموز مصطلحات ادب متبحر گردید آنگاه مولانا اظہر او را به تحصیل حسن خط و اداشته و ادایا با او از راه نصیحت و مو عظمت این شعر را میخوانند:

در مشق کوتاهی مکن بیروسته آی سلطان علی در روز کن مشق خفی، در شام کن مشق جلی
طولی نکشید که سلطان علی حسن خطش شهره آفاق و در خوش نویسی طاق گردیده و سبت کمالات
عالیه و ستودگی اخلاق و علو علوم متنوعه او بگوش عالی نادانی رسید و در محضر پادشاه معارف
خواه سلطان حسین میرزای باقرا (۸۷۲-۹۱۱) و وزیر معالی تمشیرش امیر علی شیر نوائی را بیافت
و مورد اشفاقات شاهانه و اکرامات امیرانه گشت و همه روز هنری ناز از نگاشتن، رقعات و پرداختن
قطعات و تذهیب کاری نفیسه و رسامی برجسته و غیره می نمود که سنادهید حضرت و امرای دولت

(۱) سنه وفات وی را اشتباه کرده در قسمت ۲ شرح حال شماره مسلسل ۷۸ آریانا سنه صحیح

وارکان سلطنت کور گدانبه خورسند می گشتند گوینده روزی سلطان حسین از حسن خط نستعلیق او در شکفت رفت و او را بسیار تحسین و تقدیس کرده فرمود که باید برای من سنگی مزاری در نهایت زیبایی و آراستگی با ابداع خطوط جلیله و نگارشات خفیه و جلیبه مهیا سازی سلطان علی پس از اصفای امر ملوکانه چهره بندگی بخاک سود و گفت او امر ملوکانه هر قدر یکه واجب و بر خد مت گذاران فرض است و بایدهش واجب الاطاعه شمرده اما این فرمان را بنده از عهد بر نمی آیم و هرگز راضی نخواهم شد چنین کاری انجام دهم پادشاه خدا نرس دین پرور عالی همت لغتی از گذشتگان بر شمرد و از عدم بقای انسانی و بر باد شدن حشمت و عظمت ملوک کور گانی و عاقبت خویش شرحی بر خواند و او را بنواخت تا سلطان علی تصمیم عمل نمود و چنان سنگی بساخت و بخطوط نستعلیق و رقاع و نسخ و نقوش مختلفه پرداخت که هر بنده را مجذوب می نمود پادشاه هنر پرور او را باعامات شاهانه از خود معنون ساخت و او تمامی کتیبه های بناهای خیریه و مساجد هرات را که از بناهای سلطان حسین میرزای باقرا و امیر علی شیر بود بخط نستعلیق اعلائی جلی می نگاشت گویند که عمرش به شصت و شش رسیده بود که هنوز موی ریش و سرش سفید نیکر دیده بود چنانچه خود گویند:

مرا عمر شصت و سه شد پیش و کم
 نساوا نم بلی از خفی و جلی
 هوسم جوان است زر بن قدم
 نوشتن سنگ (امیر سلطان علی)

و نیز از اشعار او است:

از بن شکسته هراکس کند توقع مشق
 اول مداد که اندر سیا می و جریان
 دوم قلم که چون کن من نباشد مست
 سوم خط چو خط عنبرین یار رنگار
 و یکی از کتیبه های برجسته قابل تقدیس او کتیبه های باغ جوان آرای بود که مشتمل بر عبارات متعدده و طاق ماورواق های مختلفه که همگی از ارمی کتیبه های طولانی بود و بخط جلی آن ها را بنکاشت و عاقبت در سنه ۹۱۹ در هرات وفات و در مشهد مدفون گردید (۱) (باقی دارد)

رساله جامع علوم انسانی

(۱) صفحه ۱۵۹-۱۶۰. بیدایش خط و خطا طان طایم مصر.